خبرها

مهدوی‌کنی کاندیدا نمی‌شود

ایلنا: غلامرضا مصباحی مقدم سخنگوی جامعه روحانیت مبارز گفت: آیت‌الله مهدوی کنی دعوت جامعه روحانیت مبارز و جمعی از روحانیون مجلس برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان را نپذیرفتند و در این انتخابات کاندیدا نخواهند شد. وی در پاسخ به این سئوال که هاشمی رفسنجانی در دیدار با فراکسیون اقلیت مجلس حضورش در انتخابات خبرگان را همانند انتخابات ریاست جمهوری به دقیقه ۹۰ و تشخیص ضرورت موکول کرده‌اند، گفت: حضور هاشمی در مجلس خبرگان مانند انتخابات ریاست جمهوری غیرقابل پیش بینی شده است اما به نظر نمی رسد ایشان برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان مشکلی داشته باشند و با توجه به استقبالی که برای حضور ایشان وجود دارد، ایشان می توانند در انتخابات کاندیدا شوند. مصباحی مقدم همچنین در مورد تهیه لیستی از سوی مصباح یزدی برای انتخابات خبرگان گفت: چنین لیستی وجود ندارد و خیالات است. سخنگوی جامعه روحانیت مبارز در خصوص کاندیداتوری زنان در انتخابات مجلس خبرگان گفت: اگر زنان داوطلب شایسته‌ای باشند، حضور آنها در مجلس خبرگان مشکلی ندارد و ما حاضر هستیم در لیست پیشنهادی خود اسامی کاندیداهای زن شایسته را قرار دهیم و حساسیتی در این مورد نداریم.

سخنرانی ملکیان در منزل عبدالله نوری

شرق: نشست ماهانه اصلاح طلبان، فعالان سیاسی، دانشگاهیان و روشنفکران این هفته در منزل عبدالله نوری برگزار می‌شود. گفتنی است که در این مراسم مصطفی ملکیان معرفت پژوه و دین شناس به سخنرانی خواهد پرداخت. همچنین مطابق معمول قبل از سخنرانی وی نیز دعای کمیل توسط عبدالله نوری قرائت می‌شود.

تجمع در دانشگاه تهران

گروه سیاسی: جمع کثیری از دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دیروز در اعتراض به بازنشسته کردن چند تن از استادان و آنچه آن را هتک حرمت استاد و دانشجو خواندند، در این دانشکده تجمع کردند. در این تجمع که گفته می‌شد در اعتراض به بازنشسته کردن اساتیدی چون دکتر درودیان، دکتر عاشوری، دکتر رئیس طوسی، دکتر ساعی، دکتر صفایی و دکتر عراقی برگزار شد، دانشجویان با سردادن سرود یار دبستانی من و شعارهایی، خواستار بازگشت این اساتید به دانشکده شدند. در پی این تجمع که با شرکت و حمایت اکثر تشکل های دانشجویی برگزار شد، کلاس های درس دانشکده تعطیل شد. همچنین دو تن از اساتید دانشکده که خود نیز از شاگردان این اساتید بازنشسته شده هستند، کلاس های خود را تعطیل کرده‌اند. همچنین دکتر احمد ساعی یکی از استادانی که دیروز صبح حکم بازنشستگی خود را دریافت کرده بود با حضور در جمع دانشجویان معترض گفت: امروز صبح حکم بازنشستگی خود را از طریق صندوق پستی دریافت کردم، این در حالی است که هیچگونه اطلاع قبلی از این مسئله نداشتم. وی با بیان این که شاید بازنشستگی امری طبیعی باشد، تصریح کرد: بنده از این مسئله ناراحت نیستم و به این حکم نیز اعتراضی ندارم چرا که دیگر علاقه‌ای به ادامه فعالیت در محیط متشنج و پرچالشی که به دنبال صدور این احکام ایجاد شده را ندارم مخصوصاً در نبود دوستانی صمیمی و اساتیدی مجرب مانند دکتر عراقی و دکتر عاشوری. وی همچنین عنوان کرد: دو سال پیشتر از سوی رئیس وقت دانشگاه تهران حکم بازنشستگی دکتر عمید زنجانی صادر شده بود ولی دکتر درودیان با این مسئله مخالفت کرد ولی امروز دکتر عمید زنجانی خود حکم بازنشستگی دکتر درودیان را صادر کرده است. گفتنی است، در این تجمع بیانیه انجمن علمی و انجمن اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده قرائت شد. همچنین تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران به گزارش ایسنا ظهر روز دوشنبه با تجمع و راهپیمایی در این دانشگاه به آنچه «موج وسیع تغییرات غیردموکراتیک و ضددانشجویی در دانشگاه» می خواندند، اعتراض کردند. این دانشجویان ابتدا با تجمع در مقابل دانشکده فنی در حالی که پلاکاردهایی نیز در دست داشتند سرود یار دبستانی را می خواندند. دانشجویان معترض همچنین برخوردها با دانشجویان را غیرمعقول دانستند و توقف فوری آنچه را روند برخورد با فعالان دانشجویی خواندند خواستار شدند. علی نیکونسبتی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) در این تجمع با انتقاد نسبت به سخنان روز یکشنبه وزیر علوم در مجلس شورای اسلامی در مورد فضای سیاسی دانشگاه بر ضرورت استقلال روسای دانشگاه‌ها تاکید کرد. نیکونسبتی با بیان اینکه ۱۹ نفر از دانشجویان به کمیته انضباطی فراخوانده شده‌اند، گفت: چرا کسی نسبت به این مسئله پاسخگو نیست. همچنین یکی دیگر از دانشجویان معترض ضمن ابراز برخی انتقادات نسبت به نحوه برگزاری انتخابات این تشکل گفت: عدم صدور مجوز از سوی دانشگاه برای فعالیت های فعالان دانشجویی سابقه ندارد.

۸ سال اصلاحات

گفت‌وگو با غلامحسین کرباسچی، ابراهیم یزدی و محمدرضا تاجیک

گروه سیاسی: روزنامه الکترونیکی روز در سالگرد دوم خرداد در گفت‌وگویی با چهره‌های سیاسی به تحلیل واقعیت‌های دوم خرداد، عملکرد خاتمی و حرکت اصلاحات پرداخته است. در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگوها را می‌خوانید.

■■■

■ غلامحسین کرباسچی: حسرت می‌خورم

■ شما از حامیان اصلی آقای خاتمی در دوم خرداد ۷۶ بودید. چطور شد سراغ آقای خاتمی رفتید و ایشان را کاندیدای خود کردید؟

در مقام شوخی اگر بخواهم عرض کنم باید بگویم ما سراغ آقای خاتمی نرفتیم، آقای خاتمی سراغ ما آمد. به هرحال ایشان اولین بار جلسه‌ای گذاشتند و کارگزاران را دعوت کردند تا نظرمان را درباره کاندیداتوری خودشان بپرسند. در آن جلسه هم نظریات مختلفی ابراز شد. به هر صورت بین کاندیداهایی که آن موقع مطرح بودند و زمینه رای داشتند، آقای خاتمی نسبت به بقیه رای بیشتری بین ما کسب کردند. اگر یادتان باشد قبل از دوم خرداد نیروی یکدستی در مجلس بود و ما هم بیشتر نگران این بودیم که این یکدستی به همه مقام‌های اجرایی سرایت کند. ما فکر می‌کردیم عدم استفاده از همه نیروها در کشور، زمینه کار و فعالیت و استفاده از استعدادها را از بین می‌برد. نگران بودیم که مجموعه یکنواختی بخواهد همه قدرت کشور را در اختیار بگیرد. این دغدغه برای خیلی‌ها وجود داشت و شاید همین دغدغه بود که همه را دور آقای خاتمی جمع کرد و دوم خرداد رخ داد. به نظر من آن چیزی که در اینجا مهم است و باید رویش فکر کرد این است که ما به تقویت و تجربه دموکراسی احتیاج داشتیم.

■ اصلاً شما فکر می‌کردید آقای خاتمی رای بیاورند؟

لابد فکر می‌کردیم ایشان رای می‌آورند که کاندیدایشان کردیم.

■ چون خیلی‌ها می‌گفتند که ما اصلاً فکر نمی‌کردیم آقای خاتمی رای بیاورد. ایشان را فقط برای این انتخاب کردیم که برخی از حرف‌ها را بزنند.

بله، این برداشت خود ایشان هم بود، اما به عقیده ما ایشان رای می‌آورد چون زمینه‌اش در جامعه وجود داشت.

■ شما که می‌دانستید آقای خاتمی رای می‌آورد، آیا برنامه‌ای هم برای دولت ایشان داشتید؟

مشکل ما با آقای خاتمی همین بود. آقای خاتمی با این دید نیامده بود که برنده انتخابات است، بیشتر به این دلیل آمده بود که حرف‌های تازه‌ای را در جامعه مطرح کند. به همین دلیل ایشان از قبل برنامه منسجمی برای اداره کشور و تشکیل دولت نداشت و این مشکلات زیادی را موجب شد.

■ بعد از اینکه ایشان انتخاب شدند وضعیت به چه شکل درآمد؟ آیا انتصاب‌های ایشان و عملکرد تیم‌شان و اطرافیان‌شان مورد تایید شما و حزبتان بود؟

به هرحال ما قبل از انتخابات هم با ایشان این بحث‌ها را داشتیم. من خودم به شخصه همیشه با ایشان این گرفتاری را داشتم که یک برنامه مشخص برای شعارهایی که طرح می‌کردند و یک روند برنامه‌ریزی شده برای یک کار چندساله در دستور کاری ایشان نبود. برنامه‌ریزی نداشتند، تحقیقات نداشتند، هدف مشخصی در میان نبود؛ و به همین دلیل در مقابل بسیاری از فشارهای تبلیغاتی که از طرف مقابل وارد شد نتوانستند بایستند. گرفتاری‌ها این جوری بود دیگر.

■ شما قربانی بزرگ اصلاحات در سال‌های اول بودید. دلخوری نداشتید؟

دلخوری شخصی که نه، اما نگران بودیم که این همه اعتماد ملی و هزینه‌هایی که داده شده و وقت‌هایی که برای این حرکت گذاشته شده به نتیجه مطلوب نرسد.

■ وقتی از زندان آزاد شدید باز هم همکاریتان را با اصلاح‌طلبان ادامه دادید؟

بعد که در کارهای دولتی و اجرایی نبودم، اما همکاری‌های سیاسی با آنها داشتم.

■ بزرگترین ضعف اصلاحات را در چه می‌دانید؟

اینها مراحلی است که هم مردم ما و هم دولتمردان ما برای رسیدن به دموکراسی پایدار باید از آن عبور می‌کردند. بی‌تجربگی و ناپختگی همه ما ضعف بزرگ اصلاحات بود. خیلی هم نمی‌شود سرزنش کرد.

■ جبهه اصلاحات چه موفقیت‌هایی داشت؟

به هرحال نمی‌شود گفت دولت‌هایی که سرکار آمدند موفقیت‌هایی نداشتند، منتها باید موفقیت‌ها را نسبت به انتظارات ارزیابی کرد. سرمایه‌ای که ملت برای جبهه اصلاحات گذاشت و علاقه‌ای که به مجموعه اصلاحات نشان داد، چه در مجلس و چه در شوراها، پاسخش این چیزی نبود که اتفاق افتاد. وقتی فکر می‌کنم در دوم خرداد تمام نیروهای فعال سیاسی و روشنفکر و تحصیلکرده و غیره برای یک امر اجتماعی و سیاسی بسیج شدند، چنان که کمتر در تاریخ ما نظیر داشت، حسرت می‌خورم. خیلی سخت است که دوباره این وضعیت پیش بیاید. پاسخ چنین سرمایه‌گذاری عظیمی آن‌طور که باید داده نشد.

■ ابراهیم یزدی: فراز و نشیب اصلاحات شکست هم دارد

■ فکر می‌کنید دوم خرداد ۷۶ چه دستاوردی داشته است؟

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی دچار مسائلی شده بود، دوم خرداد صفحه تازه‌ای در جریانات سیاسی ایران گشود. دوم خرداد در واقع اقدامی از درون برای اصلاح ساختارهای حقیقی و نه ساختارهای حقوقی بود. یعنی مردم با رای به خاتمی گفتند ما نمی‌خواهیم نظام به هم بخورد ولی حاکمان هم باید رفتارشان را عوض کنند. اما متأسفانه موفق نشد.

■ چرا موفق نشد؟

چون نتوانست بین دو چیز تفکیک کند. یکی اینکه جنبش اصلاح طلبی برای رسیدن به نتیجه نیاز به لیدر داشت. آقای خاتمی رئیس جمهوری اصلاح طلب بود ولی هیچ گاه برای خودش نقش لیدری جنبش اصلاحی را قائل نشد. یا نمی‌خواست یا نمی‌توانست یا اعتقاد نداشت. در حالی که مرحوم دکتر مصدق رهبر جنبش ملی بود و وقتی هم نخست‌وزیر شد همچنان نقش رهبری خود را ایفا کرد. او به نیروی ملی اتکا داشت و با بازوی ملی ارتباط مستقیم برقرار کرد. اما آقای خاتمی رئیس جمهور ماند و رهبری جنبش اصلاحات را قبول نکرد و به همین دلیل هم ناکام ماند.

■ با تمام این توصیفات بهترین دستاورد دوم خرداد چه بود؟

دوم خرداد برگی از تاریخ معاصر ما است. اگر بپذیریم که دموکراسی یک فرآیند یادگیری است، اگر بپذیریم که دو آرمان بزرگ انقلاب اسلامی ایران و انقلاب صدساله مردم ایران حاکمیت ملت و تحقق آزادی‌های اساسی ملت است، آن وقت می‌بینیم که هر یک از این تجارب فرآیندی مفید دارد. درست است که در هشت سال ریاست جمهوری آقای خاتمی اصلاح طلبان به همه اهداف نرسیدند، اما ادبیات مردم‌سالاری و ادبیات حقوق ملت جا افتاد و آگاهی پیدا شد. اینها را نباید نادیده بگیریم. من به عملکرد دولت آقای خاتمی اعتراض دارم ولی نباید از امتیازاتی که ایشان داشتند هم صرف‌نظر کنیم. مثلاً در هر کشوری سازمان‌های امنیتی‌اش مرتکب قتل‌های زنجیره‌ای می‌شوند، چه سازمان‌های امنیتی غربی و چه شرقی اما در هیچ یک از کشورها سابقه نداشته است که وزارت اطلاعات اعتراف بکند و بیانیه بدهد و بگوید که بله، این اتفاق رخ داده است. مدیران ما این کار را کرده‌اند، آن مدیران را بازداشت کردند و وزیر اطلاعات استعفا داد. این درکشورهای جهان سوم و حتی جهان اول بی‌سابقه است. این نتیجه تدبیر سیاسی آقای خاتمی بود و واکنش‌ها و پیامدهای بسیار گسترده‌ای داشت. به نظر من در دوره هشت ساله آقای خاتمی ادبیات و گفتمان مردم‌سالارانه قدرت پیدا کرد اما اینکه اصلاح طلبان شکست خوردند، ناشی از فراز و نشیبی است که در فرآیند دائمی دموکراسی اجتناب‌ناپذیر است.

■ محمدرضا تاجیک: برخی خودی نبودند بلکه مانع بودند

■ آقای تاجیک شما مشاور ارشد آقای خاتمی بودید، اگر بخواهید صادقانه نگاه کنید واقعاً چقدر ایشان و تیم همراهشان خواستار اصلاح و حرکت یا خواستار تغییر شرایط مردم بودند؟

خب طبیعتاً تیمی که اطراف آقای خاتمی جمع شده بود بیشتر شبیه یک طیف بود تا یک خط مشخص و گروه مشخص، در مورد همه آنها نمی‌توان یک جور قضاوت کرد. برخی از آنها هم اگر چه عزمی داشتند اما فاقد یک تئوری راهنمای عمل بودند. فاقد یک مانیفست مشخص بودند. عزم و جزم آنها هم ره به جایی نبرد. اما بسیاری از آنها هم اصلاً اراده کار اصلاحی نداشتند. آنها تلاش کردند خود را در درون جبهه اصلاحات خودی جلوه دهند ولی در عمل نقش مانع را در برابر جنبش اصلاحی بازی کردند.

■ مصلحت‌طلب بودند؟

تردیدی نیست. بسیاری از آنها فضا را برای تحقق اهداف و منافع شخصی خود مناسب تشخیص دادند. آنها را نمی‌توان ماهیتاً اصلاح‌طلب نامید. جریان اصلی اصلاحات به دنبال همنشینی و آشتی دادن دموکراسی و دین بود. عده‌ای به این دلیل که نتوانستند این دو را با هم آشتی دهند یا از توان تئوریک برخوردار نبودند به نفع یکی از این دو کنار رفتند. یا به طرف دین رفتند و دموکراسی را برنتابیدند و یا درغلتیدند به سوی دموکراسی و دین را برنتابیدند. هر دو انحراف از مسیر اصلی جنبش اصلاحات بود. به هر حال حکومت دموکراتیک دینی و مردمسالاری دینی برترین آلترناتیو و گزینه ما در دهه چهارم است. جامعه ما با توجه به شرایط فرهنگی و ارزشی و هنجاری خود نظامی به غیر از نظام دینی با جنبه‌های مردم‌سالارانه را برنمی‌تابد.

■ «نظام دینی با جنبه‌های مردم‌سالارانه» یعنی چه؟

یعنی ما بتوانیم یک دموکراسی دینی داشته باشیم.

■ در چارچوب‌های مدون دولت مدرن؟

با یک دولت مدرن و حفظ هنجارها و ارزش‌ها باید جامعه را اداره کنیم. به نظر من هیچ مغایرتی بین آنها وجود ندارد. هم دین و هم دموکراسی متن هستند. متن هم جز از رهگذر خوانش و قرائت انسان‌ها فهم نمی‌شود. متن رابطه مستقیم با انسان‌ها برقرار نمی‌کند. بستگی به خوانش ما از دین و دموکراسی دارد.

■ در چشم‌اندازهای آتی امکان نزدیکی اصلاح‌طلبان را با جریان‌های لیبرال، ملی مذهبی و چپ چقدر محتمل می‌دانید؟

اصلاح طلبان به هر حال چه بخواهند و چه نخواهند فعلاً از گردونه حکومت خارج شده‌اند. آنها دارای طیف‌های متفاوتی هستند. برخی از این طیف‌ها روی خوش بیشتری به گروه‌های سکولار و ملی مذهبی و . . . نشان می‌دهند و برخی دیگر دارای مرزهای عقیدتی و مواضع ایدئولوژیک سخت‌تری هستند و دایره خودی‌هایشان تنگ‌تر است، اما به نظر می‌رسد شرایطی مهیا می‌شود که بتوان یک آستر کلی روی تمامی نیروهایی که با گرایش‌ها و گویش‌های سیاسی مختلف، دغدغه فردای این جامعه را دارند کشید و نوعی زنجیره هم‌عرض میان گروه‌های سیاسی مختلف با حفظ کلی‌ترین اصول برقرار کرد.

قدرت سیاسی زنان

فریبا داودی مهاجر

سال‌ها است که از مقوله‌ای به نام ضرورت مشارکت سیاسی زنان صحبت می‌کنیم و این مسئله اساسی که چرا در تمامی این سال‌ها یک هویت جمعی مدنی برای تحقق این مطالبه ضروری که مورد وفاق بسیاری از فعالان اجتماعی زن است شکل نگرفته است و اینکه آیا اساساً از درون ساختار قبیله‌ای و عشیره‌ای مقوله‌ای به نام مشارکت متولد می‌شود یا خیر، نیز از اهمیت برخوردار است و البته ما را با سئوالات متعدد دیگری روبه‌رو می‌سازد. سئوالاتی که به شکل اعم همه ملت ایران و به شکل اخص مشارکت زنان به خصوص مشارکت سیاسی را دربر می‌گیرد. ویژگی‌هایی که نهاد خانواده و روابط زوجین را کاملاً آمرانه تربیت می‌کند چیست و تجربه این ساختار چه نسلی را پرورش می‌دهد و چه نقشی برای زنان جامعه ما در عرصه‌های سیاسی قائل است و آیا این نسل می‌توانند با چنین آموزه‌هایی در کنار هم مشارکت کنند و به کار جمعی بپردازند و در این کار جمعی چه نقش برابری برای زنان و کسب فرصت‌های برابر با مردان قائل هستند و در نهایت با وجود چنین مکانیسمی چرا همه تظاهر می‌کنیم که انسان‌هایی مشارکتی هستیم اما هر کدام از ما با روش‌های مختلف، مردسالاری را حفظ و بازتولید می‌کنیم. و چه بسا با شعارهای کاملاً دموکراتیک و برابری‌خواهانه برای حفظ موقعیت و یا برتری با هر روشی به حذف یکدیگر دست می‌زنیم. شاید اگر جواب این سئوالات را بیابیم راه و مسیر مشارکت آحاد مردم و به خصوص زنان به معنای فنی و تخصصی آن هموار شود. در غیر این صورت در آینده نزدیک ما با بحران‌های جدی ناشی از عدم مشارکت واقعی زنان روبه‌رو خواهیم شد. چه عده‌ای این مشارکت را دوست داشته باشند یا نداشته باشند تمایل برای حضور در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها یکی از خواسته‌های اصلی زنان امروز ما است. و اگر ما نتوانیم مبحث و ضرورت این مشارکت را خارج از منازعات و سلیقه‌ها به‌عنوان یک ضرورت برای حکمرانی خوب به مردم آموزش دهیم هرگز موفق نمی‌شویم به سمت شهروندمداری واقعی و پایداری در جامعه ایران آن هم در قرن ۲۱ حرکت کنیم. بدون شک سطح این تحلیل سطح کلان و مبحثی در ساختار است. اما برای تحلیل ویژگی‌های اجتماعی سیاسی ایران اجتناب‌ناپذیر است.

متغیر اساسی که در این تحلیل به ما یاری می‌کند چگونگی مشارکت سیاسی زنان و اثرات حذف آنان بر موضوعات مبتلابه جامعه است. به نظر می‌رسد به همین دلیل ما در گذشته با برش‌هایی در تاریخ روبه‌رو می‌شویم که زنان در مسیر کسب دستاوردها و آزادی‌ها قرار گرفته‌اند اما همواره نیروها و سلائقی از راه رسیده و هر کدام با ادبیات و روش و دستاویزهای مختلف نه تنها مشارکت که ضد آن را بازتولید کرده‌اند و چه بسا گروه‌های مختلف سیاسی و حتی بدنه اجتماعی هم به این مناسبات جدید گردن نهاده و بر سر حذف زنان از عرصه سیاست و اجتماع و تضییع حقوق مدنی با روش‌های مردسالارانه به تعادل و توافق رسیده‌اند و چنانچه ما نتوانیم به نتایج مشخصی در این تحلیل کلان دست یابیم هرگز در فقدان نقش‌آفرینی زنان به مفهوم شهروند مسئول و موظف و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان نخواهیم رسید و حتی قواعد مبارزات برابر و آزاد سیاسی در چارچوب واقعی گردش قدرت محقق نمی‌شود و در نهایت با اعمال روش‌های حذفی تنها میان مردان آن هم بخشی از مردان شکل می‌گیرد و زنان حتی از حضور در این چرخه منع می‌شوند. به هر حال نهادمند و قانونمند کردن حقوق زنان فراگردی است در ا داره سازمان‌ها که موجب ثبات ارزش‌ها می‌شود.

البته در سال‌های اخیر تحولی عظیم در پندار کشورهای جهان سوم و در حال توسعه و در راستای بهره‌گیری از توان منابع انسانی زن به وجود آمده است و در برخی کشورها واگذاری نقش‌های مدیریتی در سطوح مختلف نتایج مطلوبی به بار آورده است. در این کشورها آماده‌سازی زنان کاملاً مدون و برنامه‌ریزی شده در حال انجام است و حضور بسیاری از زنان به عنوان سفیر و نماینده در سطح بین‌المللی در حال گسترش است. دکتر ویلسون که در مرکز طرح‌ریزی پروژه‌های توسعه دانشگاه برادفورد پژوهشی تحت عنوان «آموزش و مدیریت برای زنان» را انجام داده است به تبعیض آشکار، بی‌توجهی به آموزش زنان، کم بودن پست‌های مدیریتی، ساختار جوامع و سنت و آداب و رسوم به عنوان موانع مدیریت زنان در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه آسیایی اشاره می‌کند و اینکه برای حصول پیروزی و استیفای حقوق از دست رفته زنان در سطح جهان باید تدابیری قانونمند تدوین کرد و با دقت در به کار بستن آن همت گماشت چرا که اگر زنان از موقعیت یکسانی نسبت به مردان در کسب قدرت سیاسی برخوردار نیستند و عدم برابری موقعیت آنان بسیار زیاد است مسئولان باید تلاش کنند که آنها را به سمت توانمندی، کارآمدی، خودباوری و تخصص هدایت کنند و با کلیه موانع قانونی، ذهنی، نگرش‌های غلط و تفکرات نادرست مردسالارانه در مسیر تحقق توسعه پایدار مقابله کنند؛ موانعی که مانع از رشد و پیشرفت و شکوفایی آنها می‌شود به خصوص زنان تحصیلکرده‌ای که آمادگی مشارکت و مدیریت در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را دارند و علی‌الاصول دستگاه‌های دولتی باید پاسخگوی مطالبات و یا حتی سهم‌خواهی آنان از قدرت باشد. لذا مسئولان و فعالان جنبش زنان برای کسب قدرت سیاسی باید با حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ از آموزش زنان و فراهم ساختن امکانات برای تبلیغ درباره حضور زنان در سیاست تلاش کنند و با فرهنگ مردسالاری برای جلوگیری از تبعیضات و رها کردن نظریه به ناتوانی‌های زنان در برابر مردان مقابله کنند. تدوین برنامه‌های خاص تحت عنوان مدیریت بانوان و توانایی‌های مدیریتی آنان در سطح گسترده و از بین بردن حساسیت کارکنان مرد در سازمان‌ها برای قبول مدیریت و رهبری زنان شایسته به دور از تعصبات، واگذاری بورسیه با انتخاب صحیح و فراهم آوردن امکانات گسترده برای تحصیل دختران در خارج از کشور مساوی با مردان و مقابله با محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای آزادسازی فعالیت‌های زنان جزء اولویت‌ها است. بدون تردید اگر مدعیان حضور زنان در پست‌های سیاسی از اجرایی کردن موارد بالا خودداری کنند در واقع گامی عملی در این راستا برنداشته‌اند. اگر سازمان‌های دولتی و غیردولتی در حمایت از مدیریت زنان شایسته اقدام نکنند و مدیریت‌ها به زنان واگذار نشود و زمینه شرکت دادن زنان شایسته در کنگره‌ها و سمپوزیوم‌ها و مجامع بین‌المللی علمی، سیاسی و اجتماعی مساوی با مردان فراهم نشود نمی‌توانیم به توانمند شدن زن‌ها برای حضور در تصمیم‌گیری‌های سیاسی امیدوار باشیم. باید در نفی این باور و پندار پوچ در جامعه به عنوان پیش‌فرض و قضاوت کور که خداوند به مردان استعداد بیشتری برای بر عهده گرفتن مدیریت کلیدی و عادی داده تلاش کرد و به تقویت حس مسئولیت‌پذیری و گماردن زنان تحصیلکرده و متخصص در راس سازمان‌های قضایی، سیاسی و اعزام آنها به عنوان سفیر و فرستاده سیاسی پرداخت. نهادهای دموکراتیک بدون زنان و مردانی که رفتارهای دموکراتیک را از سپهر خصوصی شروع کرده و تا سپهر عمومی تداوم داده‌اند، امکان‌پذیر نیست. در غیر این صورت حتی اگر به شکل صوری و ظاهری یا مقطعی و یا برای کسب پرستیژ به مشارکت سیاسی زنان تن دهیم آن‌چنان بوروکراتیک، از بالا و سلسله مراتبی خواهد بود که نه تنها مفهوم واقعی مشارکت سیاسی زنان شکل نمی‌گیرد بلکه با حضور زنانی که قائل به برابری نیستند، آن هم زنانی که در حاشیه یک تفکر سیاسی خاص رشد کرده‌اند لطمات جدی بر روند احقاق حقوق زنان وارد خواهد شد و همچنان سیاست مردانه می‌ماند هر چند که المپ دو گونژ نویسنده فرانسوی در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه زن و شهروند اعلام داشت: «همچنان که زنان حق دارند که بالای چوبه دار بروند به همان‌سان نیز حق دارند که بالای سکوی خطابه بروند.»

نگاه

خاتمی و دوم خرداد

مرتضی حاجی*

خاتمی در ابتدا چندان مایل به کاندیدا شدن نبود، اما بالاخره استدلال‌ها موثر واقع شد و او با ارزیابی از موقعیت، پذیرفت که وارد عرصه انتخاباتی شود. خاتمی از سوی طیف وسیعی از نخبگان جامعه که اصلاح نگرش‌ها و روش‌ها در اداره کشور را خواستار بودند، حمایت می‌شد. همچنین صرف‌نظر از میزان توفیق، شعارهای اقتصادی در حد اشباع در دوره سازندگی داده شد و آنچه کمبودش محسوس بود، یک خلاء منزلتی و توجه به خواسته‌های معنوی و حرمت و کرامت انسان‌ها بود. در چنین شرایطی بود که مردم دیدند خاتمی آن‌گونه که شایسته است به شخصیت، منزلت و کرامت انسانی آنها بها می‌دهد و این مسائل را تنها به صورت شعارهای تبلیغاتی برای کسب کرسی ریاست جمهوری مطرح نمی‌کند. ما اما در ۸ سال اصلاحات شاهد فراز و فرودهای زیادی بوده‌ایم. مقاومت‌هایی که در برابر برنامه‌های خاتمی می‌شد و مخالف‌خوانی‌های آشکار و پنهان، نوعی دوگانگی در کشور به وجود آورده بود که به سود منافع ملی و مصالح کلی جامعه نیز نبود، به یاد داریم که لایحه اختیارات رئیس جمهور با چه سرنوشتی مواجه شد و برخوردهایی با روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران شد که مستقیماً به برنامه توسعه سیاسی کشور آسیب می‌رساند، ده‌ها برنامه و اقدام مردمی ریاست جمهوری یا ناکام گذاشته شدند و یا سعی شد که کم‌اهمیت معرفی شوند. از سوی دیگر اما تندروی‌هایی که برخی دنبال می‌کردند در مشی آقای خاتمی نبود. خاتمی بارها اعلام کرده بود که در چارچوب قانون اساسی اصلاحات را پیگیری می‌کند. این در حالی است که عده‌ای توقع شدت عمل بیشتری با استفاده از پشتوانه آرای مردمی از وی داشتند. متقابلاً جناح مقابل نیز ابزارهای متنوعی برای ناکارآمد نشان دادن دولت خاتمی داشت و هیچ اقدامی را فروگذار نبود. با این حال و به رغم همه این سخنان نباید آرای انتخابات اخیر را نشان‌دهنده ناامید شدن مردم از اصلاحات دانست. ممکن است مردم از برخی افراد اصلاح‌طلب فاصله گرفته باشند، اما از نفس اصلاحات فاصله نگرفته‌اند. نمی‌پذیریم که مردم قانون‌مداری و تامین حقوق اساسی و آزادی بیان نمی‌خواهند و دیگر تمایلی ندارند در تصمیمات اساسی مشارکت داشته باشند، مردم اصلاحات را از هر دولتی که روی کار باشد مطالبه می‌کنند. اما شاید این بار احساس کردند که بخشی از مطالباتشان را باید از افرادی که در دولت حاضر هستند مطالبه کنند.

*** رئیس ستاد خاتمی در سال ۷۶ – منبع: ایسنا**

اصولگرایان در مجمع عمومی خانه احزاب شرکت نمی‌کنند

ایلنا: ابوالقاسم رئوفیان سخنگوی دور گذشته (دوم) خانه احزاب گفت: تاکنون ۲۸ حزب و گروه سیاسی در تماس با ما اعلام کرده‌اند که مجمع عمومی روز پنجشنبه چهارم خردادماه را غیرقانونی می‌دانند و در آن شرکت نخواهند کرد. وی با این توضیح گفت: طی نامه‌ای به وزیر کشور و تمام احزاب و تشکل‌های عضو خانه احزاب، اعلام کرده‌ایم که دعوت‌نامه اخیر خانه احزاب برای شرکت در مجمع عمومی چهارم خرداد در تضاد با روح حاکم بر توافقات ۱۰بندی جلسه ۸۵/۲/۱۰ است که به امضای آقایان عسگراولادی، بهزاد نبوی، کاشفی، غفوری‌فرد، بادامچیان و شیخانی رسیده است. وی تصریح کرد: در این نامه آمده است که برگزارکنندگان مجمع هیچ پایبندی به توافقات ۱۰بندی نداشته و خارج از تعهدات اقدام به تعیین دستور جلسه کرده‌اند.

احضار ۱۶ دانشجو در همدان

ایلنا: دبیر اسبق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینا و علوم پزشکی همدان گفت: هیات نظارت دانشگاه اجازه فعالیت انجمن اسلامی دانشجویان علوم پزشکی را منوط به درخواست مجوز مجدد کرد. وی همچنین گفت: ۱۹ سال است که طبق اساسنامه، انجمن اسلامی دانشگاه همدان و علوم پزشکی تحت یک عنوان فعالیت می‌کند که هیات نظارت جدید دانشگاه در یک اقدام بی‌سابقه خواستار جدایی این دو انجمن از یکدیگر شده و فعالیت انجمن اسلامی علوم پزشکی را منوط به درخواست مجدد مجوز از هیات نظارت کرده است. وی همچنین از احضار ۱۶ نفر از دانشجویان علوم پزشکی به اتهام شرکت در تحصن اعتراض‌آمیز و اقدام به باز کردن نرده‌های جوش‌زده خبر داد.

همایش علمی، کاربردی:
وکیل، دفاع
تحقیقات مقدماتی
وکیل دفاع در تحقیقات مقدماتی
با حضور اساتید برجسته حقوق، وکلا و اندیشمندان:
جناب آقای دکتر آخوندی، جناب آقای دکتر آشوری، جناب آقای دکتر اردبیلی، جناب آقای دکتر نجفی توانا، جناب آقای بهمن کشاورز، جناب آقای دکتر مؤذن‌زادگان، جناب آقای دکتر مهرپارای، جناب آقای ضیائی‌فر، جناب آقای دکتر نعمت احمدی، جناب آقای دکتر حبیب‌زاده
موضوعات سخنرانی:
- مشکلات و موانع وکالت در تحقیقات مقدماتی
- تحول جایگاه دادسرا و ترافعی شدن تحقیقات مقدماتی
- حق اطلاع از موضوع اتهام
- دفاع از حق دفاع
- اخلاق حرفه‌ای وکالت
- حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی
- ضرورت حضور وکیل در تحقیقات پلیسی
- نگاهی به موازین بین‌المللی مربوط به حق بر وکیل با مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی
با تاکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر
- نار پخچید وکالت
کانون وکلای دادگستری مرکز
گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
کمیسیون حقوق بشر اسلامی
انجمن دفاع از حقوق زندانیان
زمان: یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۸۵
مکان: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تالار مولوی
ساعت: ۸/۳۰ الی ۱۸

نشریه نامه برگزار می کند
گفت و شنود با خوانندگان
این نشست‌ها هفتمین پنج شنبه هر ماه برگزار می‌شود
با حضور
مجید تولایی
حسین شاه‌اویسی
محمد شریف
زمان: پنج‌شنبه ۴ خرداد / ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر
نشانی: شمیران / دارآباد
روبروی داروخانه پریسا / کوچه سلمان / شماره ۵ / واحد ۲
تلفن: ۲۰۱۰۶۷۷۵

توجه
کارت شناسایی اینجانب عبدالفتاح سلطانی با شماره پروانه وکالت دادگستری ۵۴۳۲ کانون وکلای مرکز مفقود شده است. از یابنده تقاضا دارد با شماره تلفن ۰۹۱۲-۱۲۲۳۵۲۱ تماس حاصل و پس از تحویل اصل کارت مژدگانی دریافت کند.

جمعیت آفتاب
کلینیک تخصصی درمانی، بازتوانی و اقامتی
درمان تخصصی وابستگی